

حمایت‌های کنونی از بخش کشاورزی در درازمدت امنیت غذایی را به خطر می‌اندازد

اشاره:

بحث حمایت از بخش کشاورزی و تجارت محصولات این بخش در گفت‌وگوهای دور از گونه پیرامون آزادسازی تجارت جهانی، از بحث‌های طولانی میان کشورهای مذاکره‌کننده و به‌ویژه آمریکا و گروه گسترده‌تر با کشورهای عضو اتحادیه اروپا بود. باز کردن بازار محصولات کشاورزی و ایجاد رقابت بیشتر در آن، در کنار کاهش حمایت‌های دولتی از این بخش، از مباحث اصلی این دور گفت‌وگوها بود. در نهایت نیز با کاهش حمایت‌های دولتی و یارانه‌های صادراتی محصولات کشاورزی، رفع موانع غیر تعرفه‌ای و کاهش تدریجی و قاعده‌مند تعرفه‌ها، منحصلاً این گفت‌وگوها بود.

برای کشورهای در حال توسعه‌ای نظیر ایران که قصد دارند سهمشان را در تولید و تجارت جهانی افزایش دهند و به رشد و توسعه اقتصادی پایدار برسند، انجام برخی اصلاحات در بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله کشاورزی ضروری است.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با آقای میرهادی مهدی کارشناس مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی وابسته به وزارت کشاورزی، موقعیت کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی محصولات کشاورزی و بخش کشاورزی ایران برای رفع موانع توسعه و دستیابی به بازارهای صادراتی را جویا شد.

ماحصل این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

در کشورهای توسعه‌یافته اصولاً منابع، وجوه و سرمایه‌ها به نسبتی که ضرورت دارد، جذب بخش کشاورزی نمی‌شود. البته در چنین کشورهایی بخش کشاورزی از قدرت چانه‌زنی سطح بالایی بین عاملین و اتحادیه‌های کشاورزی برخوردارند و تولیدکنندگان با یکدیگر متشکل بوده و برای اخذ حمایت، دولت را به راحتی تحت فشار می‌گذارند.

در مجموع می‌توان گفت، به دلایل یادشده بخش کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته حمایت‌های مالی وسیعی را جذب می‌کند. برای مثال در مجموعه

کشورهای توسعه‌یافته به دلیل دارا بودن امکانات مالی وسیع دست‌یازتری در اعطای کمک‌های مختلف به بخش کشاورزی دارند.

آمار و اعداد نشان می‌دهد به دلیل وجود این‌گونه امکانات در کشورهای توسعه‌یافته، حمایت مثبت و به نسبت بالایی از بخش کشاورزی صورت می‌گیرد.

بخش کشاورزی در کشورهای توسعه‌یافته به علت اینکه از حیث سودآوری با بخش‌های دیگر توازن ندارد، نیازمند حمایت است.

■ حمایت از بخش کشاورزی در سطح جهانی را چگونه ارزیابی می‌کنید و برخورد و رویه‌های مختلف کشورها با این حمایت‌ها را ذکر فرمایید.

□ از حیث حمایت از بخش کشاورزی در سطح جهان دو روش قابل تفکیک است:

۱- برخورد کشورهای توسعه‌یافته با سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی.

۲- برخورد کشورهای در حال توسعه با سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی.

غذایی مصرف‌کنندگان باید تأمین شود و قیمت محصولات اساسی غذایی باید پایین نگه داشته شود.

پایین آوردن قیمت‌ها و یا فشار به قیمت‌ها به سمت پایین، باعث می‌شود تولیدکنندگان نتوانند منافع لازم را کسب کنند.

به دیگر سخن هر گاه ۱۰ درصد قیمت محصولات کشاورزی پایین نگه داشته شود، به آن معنی است که تولیدکنندگان ۱۰ درصد یارانه به مصرف‌کنندگان مزبور پرداخت می‌کنند، بنابراین برای رعایت حال مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان محصولات کشاورزی در عمل تحت فشار قرار گرفته‌اند. البته در کنار این مقوله حمایت‌های عملی و نهادهای از بخش کشاورزی صورت گرفته و نهادهای با قیمت‌های ارزان‌تری به تولیدکنندگان عرضه می‌شود، اما برآیند دو عامل «کاهش قیمت‌ها» و «ارایه نهادهای به بهای به نسبت ارزان‌تر» در برخی محصولات منفی می‌باشد.

بررسی آماری در زمینه گندم نشان می‌دهد در اغلب سال‌ها این برآیند منفی بوده و باعث تأسف است که چنین محصولی که در سطح ۶ میلیون هکتار از اراضی کشاورزی زیرکشت می‌رود و رکن اصلی امنیت غذایی کشور محسوب می‌شود، دارای چنین برآیندی باشد. در واقع تولیدکنندگان گندم هر ساله مالیات می‌پردازند و این امر به طور طبیعی به تولید آن لطمه می‌زند و می‌تواند در درازمدت امنیت غذایی را به خطر اندازد.

نگرشی که در این زمینه وجود داشته، نگاهی کوتاه‌مدت و مبتنی بر هدف استفاده مردم از مواد غذایی ارزان قیمت بوده است، اما چون دولت نمی‌توانسته به طور کامل یارانه به محصول گندم بپردازد، تأمین بخشی از آن را به کشاورزان تحمیل کرده است که

محصولات کشاورزی تحت تأثیر سیاست‌های دولت پیوسته تحت فشار قرار می‌گیرد. برای مثال نرخ ارزی که در بخش کشاورزی اعمال می‌شود، بیش از حد واقعی است و در نتیجه قدرت صادرات این بخش محدود می‌شود و ارتباط و توازن لازم بین قیمت‌ها در بازارهای داخلی و جهانی برقرار نیست و در عمل تولیدکنندگان با بهای کمتر محصولات در بازار داخلی روبه‌رو می‌شوند و متضرر می‌گردند.

تصویر کلی سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی در کشورهای درحال توسعه نشان می‌دهد این بخش نه تنها حمایت نمی‌شود، بلکه با فقدان حمایت روبه‌رو است و اخذ مالیات از بخش کشاورزی به نفع تأمین امنیت غذایی عامه مردم صورت می‌گیرد.

■ سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی اقتصاد ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ اقتصاد ایران اصولاً با موضوع حمایت عجین است، زیرا یک اقتصاد نفتی محسوب می‌شود و وجوه حاصله از صادرات نفت در اختیار دولت می‌باشد. در نتیجه دولت می‌تواند اقدامات حمایتی را انجام دهد. وضعیت ایران در زمینه اجرای سیاست‌های حمایتی در بخش کشاورزی با دیگر کشورهای درحال توسعه متفاوت است، زیرا دولت قادر به حمایت از این بخش می‌باشد. اما در اکثر کشورهای درحال توسعه، دولت قادر به حمایت از بخش کشاورزی نیست.

در ایران به دلیل آنکه تأمین امنیت غذایی به عهده دولت است و گندم و غلات از اهمیت سنتی در الگوی غذایی مردم برخوردار است، دولت حساسیت خاصی نسبت به این محصولات دارد و رعایت حال مصرف‌کنندگان برای دولت از اهمیت بالایی برخوردار است. آنچه که در ایران اتفاق افتاده، این است که امنیت

کشورهای آمریکا، کانادا، اتحادیه اروپا (به‌عنوان کل)، ژاپن، استرالیا و نیوزیلند، به‌طور متوسط میزان حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و یارانه‌ای که به این بخش پرداخت می‌شود، ۳۵ درصد است.

نصف این رقم از مصرف‌کنندگان اخذ می‌شود و ۱۷/۵ درصد آن نیز از وجوه عمومی دولت تأمین می‌شود. به دیگر سخن یارانه‌های پرداختی به بخش کشاورزی در کشورهای یادشده به‌صورت مساوی ۵۰-۵۰ از سوی دولت و مردم پرداخت می‌شود. البته در برخی کشورها مثل ژاپن این حمایت‌ها به مراتب بالاتر است و لیبیات در این کشور تا ۹۰ درصد حمایت می‌شود.

در کشورهای درحال توسعه وضع تقریباً متفاوت است. در کشورهای یادشده باید گفت، دولت‌ها اگر هم مایل به کمک به بخش کشاورزی باشند، قادر به اعطاء چنین کمک‌هایی نیستند. در بسیاری از این کشورها این حالت به چشم می‌خورد.

در کشورهای درحال توسعه بخش کشاورزی سخنگوی متشکل، قوی و سازمان‌یافته‌ای ندارد. در نتیجه از حیث سیاسی چانه‌زنی لازم برای اخذ حمایت‌ها وجود ندارد. از سوی دیگر بخش کشاورزی در کشورهای درحال توسعه از یک ساختار سنتی برخوردار است که در چارچوب آن سازوکارهایی سنتی دارد و از حداقل سازمان لازم برخوردار است که می‌تواند تولید را ارایه دهد، اما بخش‌های صنعتی لزوماً از این حداقل برخوردار نیستند و دولت این کشورها در جهت سیاست صنعتی (مدرنیزه) کردن اقتصاد، سعی در تقویت بخش صنعت دارند و بخش‌های نوین اقتصادی را حمایت می‌کند، در نتیجه بخش کشاورزی تا حدودی به فراموشی سپرده می‌شود.

در کشورهای درحال توسعه، قیمت

این موضوع در درازمدت می‌تواند امنیت غذایی را به‌خطر اندازد و تا حدودی نیز به خطر انداخته است.

در ایران جدا از پرداخت یارانه به بخش کشاورزی، حمایت‌های دیگری چون حمایت‌های تجاری مانند تعرفه‌ها و موانع غیرتعرفه‌ای و... وجود دارد، اما نکته‌ای که باید به آن اشاره شود، این است که تخصیص ارز در ایران یکی از ارکان مهم حمایت محسوب می‌شود و بخش کشاورزی به دلیل نیازمندی ناچیزی که به ارز دارد، به‌طور طبیعی از این منبع یارانه‌دار نمی‌تواند بهره‌مند شود (در حدود ۴ درصد از کل ارزی که دولت به اقتصاد تزریق می‌کند، به بخش کشاورزی تعلق می‌گیرد).

به‌طور کلی از دیدگاه بین‌بخشی، یارانه‌ای که به بخش کشاورزی تعلق می‌گیرد، در توازن لازم با بخش‌های دیگر نیست و اگر هم در عمل یارانه‌ای به بخش کشاورزی پرداخت شود، نسبت به یارانه‌ای که به کل اقتصاد و یا دیگر بخش‌های اقتصادی کشور تعلق می‌گیرد، بسیار ناچیز است.

لطفاً انواع حمایت‌هایی که در بخش کشاورزی ایران صورت می‌گیرد را تشریح فرمایید.

۱۱ • تخصیص ارز عامل اصلی منشأ اعطاء حمایت محسوب می‌شود. ارز تخصیصی به بخش کشاورزی به اشکال مختلف وارد این بخش می‌شود که مهمترین آن به صورت انواع کود وارداتی، سموم دفع آفات نباتی، برخی محصولات وارداتی نظیر جو، ذرت، پودر ماهی که جهت خوراک دام و دان مرغ در اختیار تولیدکنندگان دام و طیور قرار می‌گیرد.

• برق، سوخت و در مواردی آب نیز به صورت کمک‌های دولتی به بخش کشاورزی محسوب می‌شود.

در زمینه الکتریسیته، بخش کشاورزی کمترین نرخ را پرداخت

می‌کند. اما میزان مصرف بخش کشاورزی در مقایسه با بخش‌های دیگر اقتصادی کمتر است و به‌طور متوسط حدود ۸ درصد از برق مصرفی کشور به بخش کشاورزی تعلق می‌گیرد.

سوخت مصرفی در بخش کشاورزی وزنه سنگین‌تری را در یارانه‌های دولتی دربرمی‌گیرد و گازوئیل در بخش کشاورزی بخش عمده یارانه را تشکیل می‌دهد که به عنوان سوخت ماشین‌آلات کشاورزی و موتورپمپ‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

• اعتبارات بانکی دولتی با نرخ پایین نیز یکی دیگر از اشکال اعطای یارانه به بخش کشاورزی محسوب می‌شود. البته اعتباراتی که به بخش کشاورزی تعلق می‌گیرد، به سهولت و با طی مسیر همواری در اختیار کشاورزان قرار نمی‌گیرد.

سیستم بانکی به دلایلی بیشتر تمایل به همکاری با بخش‌های صنعت و خدمات دارد، زیرا نرخ سود کمتری را از بخش کشاورزی دریافت می‌کند.

• در گذشته روی ماشین‌آلات کشاورزی یارانه پرداخت می‌شد، اما در سال‌های اخیر این یارانه‌ها کاهش پیدا کرده و در بسیاری از موارد تقریباً قطع شده است.

• آموزش و ترویج از جمله همکاری‌های دولتی است و در مقوله حمایت قرار نمی‌گیرد و در تمامی کشورها جزو اقدامات زیربنایی محسوب می‌شود.

• معافیت مالیاتی از دیگر کمک‌ها و حمایت‌های عمده‌ای است که دولت از بخش کشاورزی می‌کند. بخش کشاورزی از حیث میزان معافیت مالیاتی نسبت به دیگر بخش‌ها در سطح بالاتری قرار دارد و به‌طور کلی از پرداخت مالیات معاف است.

• حمایت‌های تجاری مانند حمایت‌های تعرفه‌ای از دیگر

حمایت‌های دولت از محصولات کشاورزی است.

آیا حمایت‌های دولت قابل تفکیک است و می‌توان گفت اکثر این حمایت‌ها روی محصولات صادراتی خلاصه می‌شود؟

□ تفکیک این موضوع مشکل است. همان‌طور که گفته شد، محاسبات نشان می‌دهد در برخی محصولات اقدام دولت در مجموع به زیان آن محصول بوده است و نشان از حمایت منفی دارد. به عبارت دیگر برآیند تمامی اقدامات دولتی اثر منفی در آن محصولات داشته است.

در مورد این سؤال که حمایت‌های دولت در زمینه محصولات که صادر می‌شود، بیشتر است یا محصولاتی که مصرف داخلی دارد، باید گفت، حمایت‌های نهاده‌ای که از طریق دولت به بخش کشاورزی سرازیر می‌شود، کمتر به کالاهای صادراتی که اغلب محصولات باغی هستند، اصابت می‌کند.

بخش اعظم سیاست‌های حمایتی نهاده‌ای شامل محصولات زراعی می‌شود. اصولاً در کشورهای توسعه‌یافته، مقوله حمایت در زمینه صادرات، مقوله خاصی است که تحت عنوان یارانه‌های صادراتی شناخته شده است. این کشورها اقدامات عملی زیادی را برای صادرات محصولات کشاورزی انجام می‌دهند.

انواع حمایت‌های صادراتی که در کشورهای پیشرفته انجام می‌گیرد، در ایران محلی از اعراب ندارد و انجام نمی‌شود. برای مثال کشورهای توسعه‌یافته به صادرکننده محصولات کشاورزی رقمی را به عنوان مابه‌التفاوت قیمت داخل و خارج می‌پردازند و به‌طور معمول تا ۴۰ درصد بهای یک محصول به صورت نقدی به صادرکننده پرداخت می‌شود تا این قشر در عمل بتواند به صادرات محصولات خود ادامه دهد. این

است. دولت روی این‌گونه محصولات، سیاست‌های حمایتی به شکل قیمت تضمینی را در برخی موارد اعمال می‌کند.

نکته‌ای که نباید فراموش شود، آن است که قیمت محصولاتی مانند گندم (به‌طور سنتی محصول اصلی کشت در بخش کشاورزی است و هنوز نیز بالاترین میزان سطح زیر کشت را دارد) به‌عنوان شاخص و معیاری در تعیین قیمت سایر محصولات مؤثر است. یعنی نقشی مانند ارز یا پیکان یا سکه در بازار محصولات کشاورزی دارد. بنابراین چنانچه قیمت گندم پایین نگه داشته شود، خواه و ناخواه بر قیمت کل محصولات کشاورزی تأثیر دارد و به آنها سرایت می‌کند. در نتیجه پایین نگه داشتن بهای گندم بر روی تولید بخش کشاورزی و سودآوری آن تأثیر منفی خواهد داشت.

■ در مجموع، آیا سیاست‌های حمایتی که تاکنون در بخش کشاورزی اعمال شده، برای این بخش مفید بوده است یا اینکه در آینده باید روی آنها تجدیدنظر شود؟

□ سیاست‌های حمایتی در زمینه نهاده‌ها مفید به حال بخش بوده است و می‌تواند کمابیش ادامه پیدا کند. اما روی حمایت‌های قیمتی به‌ویژه در زمینه گندم باید حتماً تجدیدنظر شود. باید سعی شود انحصارات دولتی در زمینه گندم حتی‌المقدور کاهش یابد و شیوه یارانه‌ای که به مصرف‌کنندگان داده می‌شود، نوعی باشد که لطمه‌ای به تولید نرزد. تاکنون این دو حوزه از هم تفکیک نشده و هر وقت حمایتی از مصرف‌کننده شده است، دود آن به چشم تولیدکننده بخش رفته و این امر نه منطقی است، نه با ضوابط اقتصادی تطبیق دارد و نه با اهداف ملی سازگار است.

به نظر می‌رسد سیاست حمایت‌های قیمتی باید متحول شود و قبل از آنکه به

زمینه گندم نشان از یک عدد منفی می‌دهد. برآیند حمایت در چغندر قند نیز منفی است، اما در مورد سویا در برخی سال‌ها مثبت و در برخی سال‌ها منفی است. در عین حال در زمینه محصولاتی نظیر برنج و پنبه برآیند حمایت مثبت بوده است.

■ آیا تمامی محصولات کشاورزی مصرفی شامل حمایت‌های دولتی هستند و سیاست‌های حمایتی در مورد آنها اعمال می‌شود؟

□ در زمینه قیمت‌گذاری، محصولات به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱- محصولاتی که در بازار مبادلات داخلی از آزادی مبادله برخوردار نیستند و دولت در آنها انحصار دارد، مانند گندم که واردکننده، خریدار، تولیدکننده و توزیع‌کننده آن دولت است. چغندر قند نیز در همین رده است.

۲- محصولاتی که در بازارهای مبادلاتی آزادانه معامله می‌شوند، اما به دلیل آنکه برای مصرف نهایی باید از مسیرهای دولتی عبور کنند، دولت باید در تعیین قیمت آنها مداخله کند. در این حالت دولت عامل اصلی تعیین قیمت محسوب می‌شود. از جمله این محصولات دانه‌های روغنی است که برای تبدیل به روغن نباتی باید جذب کارخانه‌های دولتی شود.

۳- محصولاتی که بازار مبادلاتی آنان آزاد است، اما دولت در کنار بخش خصوصی و مصرف‌کنندگان داخلی قرار می‌گیرد، مانند جو، ذرت، سیب‌زمینی و پیاز، دولت فقط در مواقع خاص آنها را خریداری می‌کند. البته این محصولات دارای بازارهای رقابتی‌تر در داخل کشور هستند و تولیدکننده می‌تواند آن را به دولت یا بخش خصوصی بفروشد.

در قیمت این محصولات اصولاً توازن لازم برقرار است و آنچه که قیمت آنها را رقم می‌زند، به‌طور عمده نظام بازار است و برش دولت در این زمینه محدود

امر رقابت در بازارهای جهانی را برای صادرکننده میسر می‌سازد.

این موضوع رکن اصلی یارانه‌های صادراتی را تشکیل می‌دهد. اما در ایران این امر به‌هیچ‌وجه وجود ندارد و محصول در جریان تولید از یارانه کود و سم و... استفاده می‌کند و اگر صادر شود، حمایت دیگری از آن به عمل نمی‌آید.

■ حمایت‌هایی که به زیان برخی محصولات کشاورزی است، کدام یک از محصولات را دربر می‌گیرد؟

□ در یک دوره ده‌ساله محاسبات نشان می‌دهد در مورد برخی محصولات برآیند «حمایت نهاده‌ای» و «حمایت قیمتی» نه تنها مثبت نبوده، بلکه منفی بوده است.

اصولاً اغلب محصولات از نظر «حمایت قیمتی» حمایت منفی می‌شوند. مردم می‌دانند که دولت هر سال برای برخی محصولات اساسی کشاورزی قیمت تعیین می‌کند. چنانچه نرخ ارز را بر مبنای بازار آزاد محاسبه کنیم، در اغلب موارد و سال‌ها قیمت تعیین شده نسبت به قیمت جهانی پایین‌تر است. این قیمت پایین نوعی حمایت منفی از محصولات کشاورزی قلمداد می‌شود.

در زمینه محصول گندم در تمامی سال‌های گذشته، تقریباً حمایت منفی بوده است، به آن معنی که اگر دولت به عنوان واردکننده انحصاری گندم عمل نمی‌کرد و اجازه می‌داد بخش خصوصی با منابع ارزی خود گندم خریداری و وارد کشور کند، قیمت گندم در بازار، بسیار بیشتر از قیمتی بود که دولت با مداخله خود به عنوان قیمت تضمینی اعلام کرده است.

بنابراین در زمینه گندم از حیث قیمتی طی سال‌های گذشته تمامی حمایت‌ها منفی بوده است. اما از نظر نهاده‌های داده شده به گندم، حمایت‌ها مثبت بوده است. البته جمع‌گیری «حمایت قیمتی» با «حمایت نهاده‌ای» در

سازمان جهانی تجارت (WTO) وارد شویم و دست و پای ما بسته شود، باید اصلاحات اساسی در حمایت‌ها به‌ویژه حمایت‌های قیمتی به‌وجود آورد و به آنها سامان صحیح و منطقی داد.

نباید فراموش کرد که وضعیت حمایت از سایر بخش‌های غیرکشاورزی هم بر بخش کشاورزی تأثیر می‌گذارد. اقتصاد و بخش‌های مختلف آن همانند ظروف مرتبط از همدیگر تأثیر می‌پذیرند، اگر رانتهای اقتصادی که در اختیار بخش‌های غیرکشاورزی قرار می‌گیرد، قابل توجه باشد، این امر منجر به لطمه خوردن بخش کشاورزی می‌شود. این وضعیت به دلیل اقتصاد نفتی کمابیش در اقتصاد ایران رخ داده است. بر این اساس اصلاحات در حمایت‌ها باید در کل اقتصاد صورت گیرد.

■ قبل از ورود به سازمان جهانی تجارت چه اصلاحاتی باید در سیاست‌های حمایتی بخش کشاورزی انجام شود؟

□ سازمان جهانی تجارت در زمینه تعرفه‌ها، موانع غیرتعرفه‌ای، حمایت‌های قیمتی و نهادهای و یارانه‌های صادراتی موضع‌گیری دارد و اعضای آن مجبور می‌شوند مقداری از حمایت‌ها را طبق ضوابطی که موجود است، کاهش دهند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در ایران موانع غیرتعرفه‌ای مؤثری تاکنون وجود نداشته است و تبدیل آن به مانع تعرفه‌ای به سطح تعرفه‌ها خیلی اضافه نخواهد کرد.

اصولاً برای ورود به سازمان جهانی تجارت موانع غیرتعرفه‌ای حذف می‌شود و مابه‌ازای تعرفه‌ای آن به تعرفه قبلی اضافه می‌شود و تعرفه جدیدی حاصل می‌شود و این نرخ به تدریج تغییر می‌کند و کاهش می‌یابد. در محاسبات انجام شده در محصولات ایران پس از آنکه موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه تبدیل شد، در اکثر محصولات حاصل به‌دست آمده، منفی

بوده است.

این امر نشان می‌دهد موانع غیرتعرفه‌ای گذاشته شده در ایران، چندان حساب شده و دقیق و به دلیل انجام حمایت تجاری نبوده است و بیشتر به دلیل رواج مقررات دست‌وپاگیر در بخش تجارت صورت گرفته است. در نتیجه در اقتصاد ایران اگر بخواهیم موانع غیرتعرفه‌ای را به تعرفه‌ای تبدیل کنیم، چندان مشکلی به‌وجود نخواهد آمد.

مطابق ضوابط سازمان جهانی تجارت، تعرفه‌ها باید کاهش پیدا کند و حمایت‌های داخلی تغییر یابد و به تدریج کاهش پیدا کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد از بخش کشاورزی حمایت چندان به‌عمل نمی‌آید و مطابق با آنچه که در سازمان جهانی تجارت مطرح شده، ایران معاف از کاهش حمایت‌های داخلی است. در نتیجه با آنچه که در اسناد سازمان جهانی تجارت قرار دارد، ایران علی‌القاعده نباید تعهدی را بپذیرد، زیرا میزان حمایت ما از بخش کشاورزی در محدوده‌ای قرار می‌گیرد که از نظر سازمان جهانی تجارت از کاهش معاف است. همین امر خود گواه دیگری است بر این نکته که مطابق معیارهای بین‌المللی هم از بخش کشاورزی ایران حمایت به‌عمل نمی‌آید، یا اگر حمایتی صورت می‌گیرد، مقدار آن ناچیز و قابل چشم‌پوشی است.

در زمینه یارانه‌های صادراتی نیز چون این‌گونه یارانه در ایران جود ندارد، در نتیجه تعهدی را نخواهیم پذیرفت و در تغییر نیز حاصل نخواهد شد. در مجموع آنچه که در بخش کشاورزی تغییر می‌کند، تعرفه‌ها است که باید کاهش پیدا کند و موانع غیرتعرفه‌ای برچیده شود.

البته سازمان جهانی تجارت می‌تواند برخورد دیگری با آنچه که هم‌اکنون معمول است، با ایران انجام دهد. اما اگر برخورد این سازمان مبتنی بر موافقتنامه کشاورزی دور اروگوئه باشد، تعهد چندان در کاهش حمایت‌های داخلی از

بخش کشاورزی نخواهیم داشت.

البته ذکر این نکته ضروری است که از دید ملی تا زمانی که یک توازن بین‌بخشی بین فعالیت‌ها ایجاد نشود، بخش کشاورزی لطمه خواهد دید.

اصولاً در بخش‌های دیگر اقتصادی، مسیر ورود و جذب یارانه‌ها بسیار سهل‌تر است و در نتیجه به بخش‌های بازرگانی صنعت و خدمات جذب می‌شود و بخش کشاورزی تحت فشار قرار می‌گیرد. این امر باعث می‌شود سودآوری در بقیه بخش‌ها افزایش یابد و سرمایه جذب بخش کشاورزی نشود.

آمار نشان می‌دهد میزان سرمایه‌گذاری که در بخش کشاورزی انجام شده، کمتر از میزان استهلاک سرمایه‌ها در این بخش بوده که زنگ خطری برای بخش کشاورزی است و امنیت غذایی ایران را دچار لطمه اساسی خواهد کرد. دولت اگر نمی‌خواهد حمایت از بخش کشاورزی را تغییر دهد، حتی اگر حمایت از بخش‌های دیگر را محدود کند. این امر به خودی خود می‌تواند به نفع بخش کشاورزی تمام شود و مشکلات موجود را از بین ببرد و سرمایه‌ها به‌سوی بخش کشاورزی جریان پیدا کند. چرا که در حال حاضر توازن بین‌بخشی به دلیل سرازیر شدن یارانه‌ها به بخش‌های غیرکشاورزی به زیان بخش کشاورزی رقم خورده است.

هم‌اکنون به دلیل وجود رانتهای اقتصادی در بخش‌های غیرکشاورزی، بخش کشاورزی لطمه می‌بیند. اگر این رانته‌ها در بخش‌های غیرکشاورزی حذف شوند، در این صورت بخش کشاورزی می‌تواند در موقعیت بهتری قرار گیرد.

